



15 مارچ 2022

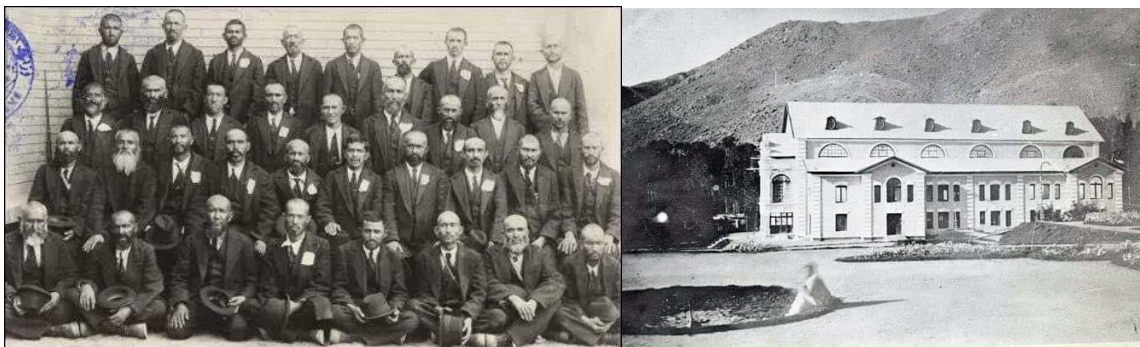
داکتر سید عبدالله کاظم

## نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش سی و پنجم)

لویه جرگه 1307 و اهم مصوبات آن:

وقتی اعلیحضرت پس از سفر اروپا که تقریباً هشت ماه بطول انجامید، از راه قندهار به کابل مواصلت کرد، مردم کابل برای سه روز بازگشت او را جشن گرفتند و از او و هیئت معیتی او به گرمی استقبال کردند. بعد از آن شاه امان الله برای استراحت چندروز به پغمان رفت، اما زود برگشت و برای تدویر لویه جرگه که قبلاً هدایت داده بود، آماده شد. شاه لویه جرگه را بتاريخ 6 سنبله 1307 (29 آگست 1928) مشتمل بریک هزارنماینده جهت ارائه راپور سفر و اقدامات بعدی دولت در پغمان دایر کرد. در این جرگه نمایندگان مجبور شدند تا بجای لباس ملی و محلی، با لباس اروپائی مشتمل بردریشی و نکتائی و کلاه شاپوه ملبس شوند و این لباس را دولت به آنها تحفه داد. جرگه پنج روز دوام کرد که بطور کل بحث های آزاد و جدی بین اعضای لویه جرگه و دولت در مسائل مختلف صورت گرفت.



عمارت "تئاتر و سینما" در پغمان - محل برگزاری لویه جرگه های 1303 و 1307 و تعدادی از وکلاء با لباسهای مخصوص

متأسفانه گزارش مفصل درباره رویدادهای مکمل این لویه جرگه در دست نیست و شاید به دلیل اینکه این لویه جرگه در حالی برگزار شد که کشور در یک نوع آرامش قبل از طوفان قرار داشت و جریان لویه جرگه و سپس تدویر کنفرانسها در قصر ستوراز یکطرف و نارضایتی نمایندگان و حلقات محافظه کار مذهبی از طرف دیگر فرصت تدوین و نشر رویداد را میسر نساخت و اگر اسنادی هم در دست بود، با وقوع اغتشاش سقوی و سقوط سلطنت امانی از بین برده شدند.

جریده امان افغان در یک شماره مخصوص خود مختصر جریان رویداد های روز اول، دوم و سوم لویه جرگه را به نشر سپرد: شاه امان الله غازی در روز اول لویه جرگه پس از مراسم افتتاحیه ضمن سخنرانی مبسوط خود در باره ایجاد تحولات جهت ترقی و تعالی کشور از لزوم تبدیل شورای دولت به شورای ملی سخن گفت و فرمود: «منتظر بودم، همینکه قابلیت مملکت قدری پیش برود و وکلای ملت بتوانند شورای مملکت را اداره کنند، این حق را باو شان بدهم. اینست که امروز این قابلیت را در وکلاء ملاحظه کرده و این حق را بملت میدهم». سپس قانون انتخابات وکلاء طرح و لایحه آنرا

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

سرمنشی حضورقرائت کرد که بعد از بحث و مذاکره "نظامنامه شورای ملی" به تصویب رسید و از طرف جرگه تصدیق شد که در نشریه امان افغان به نشر رسید، از اینقرار:

« 1- عده وکلای ملت به شورای ملی یکصد و پنجاه نفر است.  
2 - تقسیم وکلای از هر سمت به جدول ملحقه این نظامنامه است.  
3 - شرایط انتخاب کنندگان: تبعه افغانستان باشند، سن شان از 20 سال کم نباشد، در منطقه انتخاب متوطن یا اقلاً شش ماه قبل در آنجا ساکن باشند.  
4 - کسانی که حق انتخاب ندارند، آنانی اند که زیر وصایت باشند، تجاری که به تقصیر مفلس شده باشند، محکومین جنایات.

5 - کسانی که بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب محروم اند: صاحب منصبان و ضابطان و افراد عسکری و پولیس کوتوالی و ژاندارمه.

6 - شرایط انتخاب شوندگان یعنی وکلا: تابعیت افغانی داشته باشند، خارجی هائیکه تبدیل تابعیت کرده اند بعد از اخذ تذکره ده سال در افغانستان اقامت کرده باشند، دارای سواد باشند (اقوامیکه فکر میشود اوشان خواننده ندارند، استثناءً اجازه دارند تا ناخوان [بیسواد] انتخاب کنند و درکابل تعلیم صوتی غازی [اصول سواد آموزی که شاه آنرا تدوین نموده بود و در کورسهای اکابر تدریس میگردد] را بنمایند)، سن شان تا دوره چهارم انتخاب کم از بیست و پنج سال، بعد از آن از سی و بیش از هفتاد نباشد، معروف بصداقت و راستکاری باشند، متشبهین خاندان شاهی خواه بلاواسطه [مستقیم] مثل پسر، برادر و عم شاه یا با واسطه [غیرمستقیم] مثل برادر زاده و پسر عم شاه در صورت داشتن شرایط فوق از شاه اجازه بگیرند.

7 - محرومین حق انتخاب وکالت: صاحب منصبان و ضابطان و افراد عسکری و پولیس کوتوالی و ژاندارمه، مامورینی که بخواهند وکیل شوند در محل ماموریت خود قبل از اقدام به وکالت از ماموریت استعفی بدهند و اگر در غیر محل ماموریت انتخاب شوند، بعد از انتخاب استعفا بدهند و تاجرهای مفلس به تقصیر هم حق انتخاب ندارند.»

نویسنده جریده امان افغان می افزاید: مواد فوق که در این نظامنامه مهم بود، تصدیق و برای تصویب باقی مواد جزئی آن به مجلس جداگانه مرکب از یک نفر از وکلای هر ولایت موکول شد. (برای شرح مزید دیده شود - آهنگ، پوهاند محمد کاظم: "سیر ژورنالیزم در افغانستان"، چاپ دوم، پشاور، 1378، صفحه 279 - 280، به نقل از: جریده امان افغان، شماره فوق العاده از جریان لویه جرگه سوم 1307 در پغمان)

مأخذ دیگری که بر رویدادهای لویه جرگه 1307 بصورت فشرده و اما جامع روشنی انداخته، کتاب "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، اثر افغانستان شناس معروف امریکائی "لودویک آدامک" است که در یک قسمت فصل چهارم زیر عنوان "سفر و شکست امان الله" مطالبی دارد که اهم آن ذیلاً اقتباس میشود:

آدامک می نگارد: «در جلسه اول فیصله شد که شورای دولت باید با یک پارلمان یا شورای ملی که توسط ملت آزادانه انتخاب شود، تعویض گردد. اشخاص رسمی حکومت نمیتوانند به عضویت شورای ملی انتخاب شوند. شورای ملی باید با لویه جرگه هم آهنگی داشته باشد.»

در جلسه روز دوم مورخ 7 سنبله 1307 (30 اگست 1928) نخست راپور فعالیت های وزرای مختلف در ظرف سه سال گذشته خوانده شد و بعد از آن بحث درباره چند موضوع صورت گرفت. آدامک خلاصه این تصاویر را چنین بیان میکند: «لویه جرگه قیود و شرایطی را وضع کرد که قدرت عفو از قضات و حکام گرفته شود و این قدرت تنها برای پادشاه تفویض گردد؛ از رشوه، سوء استفاده و زجر و دشنام دادن جلوگیری شود؛ یک هیئت تحقیق و تفتیش مستقل تشکیل گردد تا به مظالم و شکایات ولایات رسیدگی کند؛ مدت خدمت عسکری از دو سال به سه سال تمدید یابد و برای همه اجباری باشد، در آن استثناء نمیگنجد و نه عوضی گرفتن مجاز دانسته میشود؛ تطبیق تعزیر ممنوع شود زیرا ساحه آن بسیار وسیع است و از پیشانی تشری تا حکم قتل را دربرمیگیرد، لذا جزا ها باید بصورت قاطع تعریف و مشخص گردند؛ بالاخره به تقاضای اعضای لویه جرگه و تطبیق درست مالیات بر مواشی، لازم دیده شد تا هر سال سرشماری و احصائیه گیری مواشی صورت گیرد.»

در اجلاس روز سوم لویه جرگه (9 سنبله مطابق 31 اگست) فیصله بعمل آمد که: «جمله عناوین والقاب رسمی را از بین بردارند و همچنان القاب اجتماعی را ملغی سازند و بنابراین همه اشخاص رسمی را بدون در نظر داشت مقام و منزلت به کمال سادگی "عزیز" خطاب نمایند، مثل عزیز محترم، وزیر عزیز و امثالهم. حتی امان الله پادشاه نیز میخواست او را هم "پادشاه عزیز" خطاب کنند، اما اعضای لویه جرگه این پیشنهاد او را قبول نکردند و اصرار ورزیدند که امان الله لقب خود یعنی "اعلیحضرت" را حفظ نمایند. همچنان فیصله شد که لباسهای مجلل رسمی و یونیفورم های قیمتدار باید از بین برود و در اوقات رسمی و مراسم اجتماعی باید لباسهای ساده برای اشخاص ملکی دریشی سیاه و برای اشخاص نظامی دریشی خاکی تخصیص داده شود. علاوه بر آن جمیع مدالها و نشانهای تزییناتی از بین برداشته شود، به استثنای نشان استقلال که برای اشخاص بسیار فعال و نافع ملی و فاتحان و قهرمانان نظامی اعطا میشود. یکی از موضوعات حساس همانا در مورد کسانی بود که به حیث امام، معلم یا واعظ در امور دینی توظیف می شدند که باید تابع امتحان دانسته شوند و بعد از امتحان و اخذ تصدیق نامه اجازه دارند تا وظایف خود را انجام دهند. علاوه ملاحظاتی که از خارج بودند، بخصوص آنهاییکه از مدرسه دیوبند هند فارغ التحصیل شده بودند، برای شان اجازه داده نشود که داخل افغانستان به گردش بپردازند، زیرا آنها مردمان بد و شریر و پروپاگاندچی خارج و خائن شمرده میشوند. کسانی که از چنگ قانون فرار کرده اند و یا فرار میکنند، باید توسط نمایندگان ملت برحسب قانون دستگیر شوند و نیز محاکم عصری که در حال تأسیس اند، باید قرار خود را به اساس سند و شواهد صادر کنند، نه آنکه توسط اصول قدیمه گواهی و شهادت...»

آدامک در ادامه می نویسد: «در پایان جلسه امان الله اعلام کرد که او 53 هزار تفنگ خریداری کرده و اراده دارد تا 50 هزار دیگر هم با 50 میلیون گلوله [هزرتفنگ با یک هزار کارتوس] و مهمات دیگر آن خریداری کند و قیمت آن از درک کمک و اعانه جمیع افراد کشور که بالاتر از سن پانزده باشد فی نفر پنج افغانی و تادیه یک ماهه معاش مامورین دولت برای یک مرتبه پرداخته خواهد شد.» آدامک می افزاید: «برطبق اخبار منتشره در مطبوعات افغانستان این اعلان امیر با شوق و ذوق پذیرفته شد و نماینده کابل - غلام محی الدین گفت که او حاضر است برای این هدف مقدس یک لک افغانی اعانه بدهد و از دیگران هم خواهش کرد تا از او پیروی کنند.»

در جلسه روز چهارم (10 سنبله مطابق اول سپتمبر) یک قسمت زیاد وقت صرف مباحثه پیرامون قانون مامورین و مسایل مربوط آن گردید، طوری که آدامک می نگارد: برای جلوگیری از تخطی باید مامورین دولت در شروع مأموریت، دارائی خود را با عاید سالانه آن ثبت نمایند. این اوراق باید

بدسترس هیئت تفتیش گذاشته شود و آنچه اضافه از مصارف آنها باقی می ماند، یا چشمه عایداتی آنها وانمود گردد و یا آنکه حاصل تخطی و اختلاس آنها بشمار رود که در اینصورت موجب تنبیه و جزاء پنداشته میشود. همچنان قانون مامورین که زیر بحث بود، درباره ترفیعات و مصارف سفریه حین انجام وظیفه، نیز مطالبی را دربر داشت که در این مجلس روی آن بحث صورت گرفت و در عین زمان فیصله شد که معاش مامورین دولت توسط شورای ملی تعیین گردد. از همه مهمتر تصمیم گرفته شد که مامورین دولت نمیتوانند بیش از یک زن داشته باشند. علاوه پیشنهاد شد تا حداقل سن ازدواج برای پسران 22 و برای دختران 18 سالگی تعیین گردد، اما این نظر بعد از مباحثات زیاد به اکثریت مطلق آراء رد شد، زیرا با اصول اسلامی همخوانی نداشت. در اخیر مجلس چهارم، امان الله شاه پیشنهاد کرد که خانم او به حیث ملکه و پسرش شهزاده رحمت الله را که در آنوقت شش ساله بود، به حیث وارث تاج و تخت و ولیعهد افغانستان بشناسند. این پیشنهاد اخیر با کف زدن و هلهله زیاد پذیرفته شد و تصویب گردید.

یکی از پر جنجال ترین اقدامات عصرامانی موضوع رفع حجاب بود که حتی در سقوط رژیم نقش بسیار عمده بازی کرد. در نتیجه همین طرز فکربود که شاه امان الله در این لویه جرگه از ملکه ثریا خواست تا به حیث اولین زن افغان روپوش خود را در حضور نمایندگان مردم بطور رسمی از چهره بردارد و بدینوسیله به رفع حجاب رسمیت دهد. لویه جرگه نه تنها به رفع حجاب مهر تائید گذاشت، بلکه اکثر نمایندگان از این پیش آمد شاه و ملکه منزجر گردیدند و حتی بعضی ها صدای اعتراض را نیز بلند کردند. رفع حجاب بزعیم شاه امان الله برداشتن برقع (چادری) بود که بر طبق عنعنه زنان مکلف به پوشیدن آن بودند. او ستر شرعی را که شامل کف دستها و روی زن نیست و بارعایت آن زن میتواند بکار و مشغله متناسب به حال خود پردازد، قبول داشت و حتی به قول وکیلی پولزائی شاه در لویه جرگه پغمان گفت: «من مسئله حجاب را آزاد میگذارم» و علاوه کرد: «تنها چیزیکه رعایت آنرا مینمایم مسئله ستر شرعی است، یعنی اگر دیدیم بیشتر از حدودیکه در شرع انور آمده است مثلاً دستها الی بند و روی الی زرخ، اگر بیش از این بی ستی دیدیم، مجازات و از آن جلوگیری خواهم کرد» (وکیلی پولزائی: "سفرهای غازی..."، صفحه 277). قابل ذکر است که به تعداد 12 نفر از خانم ها از جمله اعضای "انجمن حمایت زنان" در لویه جرگه 1307 پغمان به حیث وکلای طبقه نسوان تعیین شدند؛ این اولین بار در تاریخ کشور بود که زنان کشور در مجمع بزرگ ملی و تقنینی در کنار مردان با حقوق مساوی، البته در صف جداگانه اشتراک کردند.

در روز اخیر اجلاس لویه جرگه (11 سنبله مطابق دوم سپتمبر) اعلیحضرت از لویه جرگه تقاضا کرد تا بیرق ملی جدید افغانستان را تصویب نمایند. به اساس پیشنهاد او بیرق کشور حاوی سه رنگ سیاه، سرخ و سبز باشد که در آن سمبول آفتاب سرکشیده از قله های پربرف و به دوطرف آن خوشه های از گندم و در وسط آن نام "الله" به حیث نشان بیرق ثبت شود. (برای شرح مزید دیده شود - آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، چاپ اول به زبان انگلیسی، پوهنتون اریزونا، 1974، مترجم: پوهاند محمد فاضل صاحبزاده، چاپ دوم، پشاور، 1377، صفحات 189 تا 193)

با این ترتیب لویه جرگه 1307 به پایان رسید، اما اعلیحضرت فرصت نیافت یا لازم ندید تا راجع به دیگر نکات مورد علاقه خود در لویه جرگه ابراز نظر کند و شاید هم به دلیل اینکه فکر میکرد اعضای لویه جرگه به آن چندان علاقمند نخواهند بود. لذا او تصمیم گرفت ادامه موضوعات را در یک فضای دیگر به سمع مردم و به خصوص مامورین عالیرتبه نظامی و ملکی دولت، اعضای شورای دولت و

تعدادی از روشنفکران و معاریف و بزرگان شهر کابل با خانم های شان برساند. به همین دلیل شاه یک ماه بعد از ختم لویه جرگه بتاريخ 10 میزان (2 اکتوبر) برای چهار روز متواترالی 13 میزان (5 اکتوبر) جلسات دیگر را با اشتراک در حدود 600 نفر به شمول اعضای کوردپلماتیک و خانم های شان در قصر ستور (وزارت خارجه) دائر کرد.

### جلسات در قصر ستور:

بعد از ختم لویه جرگه شاه تصمیم گرفت تابعی از اصلاحات مورد نظر را که در لویه جرگه فرصت ابلاغ نیافته بود، طی یک تعداد جلسات یومیه در قصر ستور (عمارت وزارت خارجه) با حضور تعداد کثیر اراکین دولت اعم از ملکی و نظامی و کوردپلماتیک مقیم کابل که با زنان شان دعوت شده بودند، بیان نماید. شاه طی این مجالس که پنج روز دوام کرد خود را "پادشاه انقلابی" خواند و درباره پوشیدن لباس اروپائی در شهر کابل سخن گفت، از توسعه هنر و مکتب موسیقی یاد کرد، تشکیل حزب جدید بنام "فرقه استقلال و تجدد" را بریاست خود اعلام نمود، سنین ازدواج را برای نوجوانان (دختران 18 ساله و پسران 22 ساله) تعیین کرد، تغییر روز رخصتی از جمعه به پنجشنبه، تعلیم مختلط دختران و پسران زیر سن 11 ساله، الغای تعدد زوجات برای مامورین دولت، تاسیس مکتب امور منزل برای نسوان بنام مکتب "راضیه" را به اطلاع حضار رسانید. اما در صدر همه موضوعات بازهم رفع حجاب قرار داشت که ملکه ثریا رو بند نازک خود را رسماً از روی برداشت و به تعقیب آن زنان حاضر در مجلس که همه باشوهران خود آمده بودند، از این اقدام ملکه پیروی کرده رو بند های خود را از روی کنار زدند. لذا روز 20 میزان 1307 ش (12 اکتوبر 1928) در حقیقت اولین روز تاریخی برای آزادی زنان از قید چادری است که البته با تأکید شاه و ملکه اینکار اختیاری بود و گفته شد که موضوع به شخص ارتباط دارد. طی همین جلسات فلم های سفر شاه و ملکه نیز به نمایش گذاشته شد. (استیوارت، ریه تالی: "آتش در افغانستان 1919 - 1929"، مترجم: یار محمد کوهسار کابلی، چاپ اول، پشاور، 1380، صفحه 68)

در جلسه روز اول قصر ستور شاه امان الله بیشتر به شرحی درباره سفر خود و موفقیت حاصله از آن پرداخت و نتایج سیاسی سفر خود را چنین بیان کرد: «عقد پیمان دوستی با مصر، ترکیه، سوئیس، پولند، جاپان، فنلند، لاتویا، لایبیریا و همچنان پیمان ترانزیتی با پولند عقد شد. پیمانهای دیگری آماده امضاء با آستریا، هالند، دنمارک، سوئد، ناروی، چین، یمن، حجاز و مکسیکو شده است. از امان الله در همه جا پذیرائی های شاندار از طرف خانواده های شاهی برتانیای و نیز کشورهای دیگر به شمول بلشویک های اتحاد شوروی صورت گرفت.» (آدامک: روابط خارجی... صفحه 194)

در گزارش مربوط به مصارف سفر و خریداری اسلحه، ماشین آلات و وسائل تخنیک و فابریکات شاه نیز ارقامی را ارائه کرد و گفت که همه اسناد مربوطه جهت غور و تدقیق حسابی به وزارت مالیه ارائه گردیده و مصارف سفر (بدون خریداریها) به 19 لک و پنجاه و یک هزار افغانی (1.9 ملیون افغانی) میرسد، در حالیکه به ارزش مبلغ یک کرور و 28 لک و 88 هزار افغانی (12.9 ملیون افغانی) از طرف مقامات رسمی کشورها به حیث تحفه و هدایا بما داده شده که بعد از وضع مصارف سفر، به مبلغ یک کرور و 9 لک و 38 هزار افغانی (تقریباً 11 ملیون افغانی) عاید حال ما گردیده است. آدامک مبالغ خریداری ها را بر حسب محاسبه آلمانها به مبلغ 14 ملیون مارک نقد در ایتالیا و فرانسه و در حدود 6 ملیون مارک در جرمنی و انمود میکند که یک پوند معادل 20 مارک در آنوقت بود. (مأخذ بالا... صفحه 194)



در روز دوم اجلاس در قصرستور شاه نخست در مورد تعلیمات عسکری صحبت کرد و اراده و نیت خود را مبنی بر انکشاف مکتب حربیه و توسعه تشکیلات آن بیان نمود و گفت که صاحب منصبان عسکری از مریدشدن و دست پیرگرفتن ممنوع میباشند؛ عساکر باید مهارتهای حیاتی و صنعتی را در دوره عسکری خود فرا گیرند که بعد از ختم دوره مکلفیت بتوانند آنرا تطبیق و به دیگران بیاموزند و عضو مفید و صالح جامعه شوند. همچنان او بر صاحب منصبان عسکری دستور داد تا یک ماه معاش خود را برای خریداری اسلحه جدید و همچنان یک ماه معاش خود را برای تأسیس کلوپ عسکری اعانه دهند. شاه امان الله راجع به تزئید معاشات عسکری نیز سخن گفت و درباره انکشاف معارف در ولایات کشور به شکل شعب مکاتب عالی آلمانی و فرانسوی که در کابل قبلاً تأسیس شده بودند، نیز مطالبی اظهار کرد. در پایان این اجلاس او بار دیگر به حداقل سن ازدواج برای جوانان اشاره کرد و گفت که شاگردان در دوره مکتب ازدواج کرده نمیتوانند.

موضوع مهم و جنجال برانگیز را اعلیحضرت در روز سوم اجلاس مطرح کرد و آن عبارت بود از بحث بر لزوم برقع یا چادری برای زنان و گفت: در ظرف دوماه چادری معموله زنان باید به شکل دیگر تعویض گردد، زیرا این چادری مانند "خیمه" بوده و هنگام راه رفتن آنها را با خطر افتادن و به زمین خوردن مواجه می سازد. بجای آن زنان میتوانند به مثل زنان ترکی روبندی را که مثل یک دستمال است و قسمت پایانی آن روی را می پوشاند، استفاده کنند که البته پوشیدن آن اختیاری خواهد بود. او علاوه کرد که چادری و حتی روبند از وجایب اسلامی نیست و با این تذکر از ملکه ثریا خواست تا روبند خود را بردارد و خطاب به خانم های حاضر مجلس گفت تا آنها نیز از ملکه پیروی نمایند، ولی ملکه باتأنی اینکار را کرد و حضار مجلس به استقبال این امرکف زدند. در پایان شاه بار دیگر گفتار خود را متوجه ملاها ساخت و از تعصب و جاهلیت آنها سخن گفت و علاوه کرد که آنها مسئول جمله عوام فریبی ها و منبع تمام تعصبات بیجا و پخش نادانی در جامعه میباشند.

در خطابه روز چهارم که بروز 13 میزان ادامه یافت شاه اعلام کرد که قبلاً شیر احمد خان (رئیس شورای دولت) را به حیث صدراعظم تعیین کرده بود تا کابینه خود را تشکیل و برای شورای ملی معرفی دارد، اما چون موصوف موفق نشد تا افغانهای نخبه را شامل کابینه خود سازد، لذا خودم داوطلب اینکار میشوم و تشکیل کابینه را نموده و آنرا به شورای ملی معرفی میدارم. به نقل از آدامک، اعلیحضرت گفتار خود را با چنین جملات خاتمه داد: «من پادشاه انقلابی هستم و آرزو دارم تا انقلاب را در هر جهت زندگی کشور خود به وجود آورم و از جمله مامورین دولت، کسانی که بصورت شعوری جرأت نمیکند با من همکاری نمایند، باید از کار شان استعفی دهند.» در این محفل یکی از کسانی که استعفی خود را اعلام کرد، عبدالرحمن خان لودین - رئیس عمومی گمرکات بود. (درباره جریانات قصر ستور دیده شود - آدامک: "روابط خارجی افغانستان... صفحه 193 تا 196)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ